
حق آموزش در قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت علیه ایران

علی بابایی مهر*

مهدی دانیالی**

دیباچه

اصولاً هدف اصلی تشکیل سازمان ملل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوده است که انجام این امر طبق ماده ۲۴ منشور ملل متحد برعهده شورای امنیت نهاده شده است. شورای امنیت در راستای انجام مأموریت خطیر خود، برطبق منشور ملل متحد دارای اختیارات و صلاحیت‌های نسبتاً زیادی شده است، که مهم‌ترین آن اقداماتی است

* دکتر علی بابایی مهر، استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی (گروه حقوق عمومی و بین‌الملل)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس است. (gatbabayee@yahoo.com)
** مهدی دانیالی، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس است. (mdaniali@yahoo.com)

پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۳

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال نهم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۱، صص ۱۷۲-۱۵۵.

که شورای امنیت در قالب مقررات فصل هفتم منشور [مواد ۵۲ تا ۳۹] انجام می‌دهد. از جمله این اقدامات موارد مندرج در ماده ۴۱ منشور می‌باشد که به شورای امنیت اجازه داده است در مواردی که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با خطر مواجه شود، متوسل به اقداماتی بشود که گرچه متضمن توسل به زور نمی‌باشد، «ولی ممکن است تصمیم به اقدام غیرقهری (ماده ۴۱) بگیرد که طبق آن می‌تواند مبادرت به قطع کلیه روابط دولت یا دولت‌های خاطی در قلمروهای سیاسی و اقتصادی و ارتباطی کرده و از طریق به انزوا کشاندن آن دولت یا دولت‌ها صلح و امنیت بین‌المللی را حفظ یا اعاده نماید. (بیگزاده، ۱۳۸۹، ص ۳۷)

البته محدوده اقدامات مندرج در ماده ۴۱ منشور کاملاً مشخص نشده است و شورای امنیت در توسل به این اقدامات، باتوجه به غیرحصری بودن آن، با تشخیص خود در موارد لزوم می‌تواند هرگونه تحریمی را علیه کشورهای خاطی اعمال کند و در اعمال این تحریم‌ها کمترین دغدغه حقوقی را ندارد و در عمل این تحریم‌ها باعث فشار بر کلیه افراد آن جوامع می‌شود. و در بسیاری از موارد باعث نقض حقوق بشر می‌شود.

در سال‌های اخیر یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در شورای امنیت مورد رسیدگی قرار گرفته است موضوع پرونده هسته‌ای ایران می‌باشد که از طریق شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر اینکه این مسئله موجب تهدید صلح و امنیت بین‌المللی شده است، به شورای امنیت ارجاع داده شده است. تاکنون قطعنامه‌هایی که از سوی شورای امنیت علیه ایران صادر شده است دارای محدودیت‌ها و تحریم‌های زیادی در سایر مسائل اقتصادی، سیاسی و ارتباطی بوده است که عبارتند از: قطعنامه‌های ۱۹۶۹ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۹)، ۱۸۸۷ (۲۰۰۹) و ۱۹۲۹ (۲۰۰۱).

علاوه بر تحریم‌های گوناگون و متعددی که در این زمینه علیه ایران لحاظ گردیده است. در قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت مصوب (۲۰۰۶) در بند ۱۷ آن از کلیه کشورها

خواسته شده که از پذیرش اتباع ایرانی در سرزمین‌شان یا توسط اتباعشان در حوزه‌هایی که به فعالیت‌های حساس هسته‌ای ایرانی و تولید سیستم‌های پرتاب تسلیحات هسته‌ای کمک می‌کند، خودداری ورزند. در واقع کلیه کشورها و مؤسسات آموزش عالی را ملزم کرده که از آموزش به اتباع ایرانی در این رشته‌های خاص خودداری کنند. نظر به اینکه حق آموزش یکی از حقوق مسلم و غیرقابل انکار بشری می‌باشد در این مقاله سعی شده است که محدودیت‌های آموزشی مندرج در این قطعنامه شورای امنیت از جهت همگرایی یا نقض حق آموزش اتباع ایرانی مورد بررسی قرار گیرد.

بیان مسئله

باتوجه به اینکه تصمیمات شورای امنیت برطبق ماده ۲۵ منشور برای کلیه کشورهای عضو سازمان ملل لازم‌الاجرا می‌باشد. در این مقاله به‌دنبال پاسخ به این سؤالات می‌باشیم که آیا محدودیت‌های آموزشی مندرج در قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت شامل نقض حق آموزش می‌شود؟ و در صورت تقابل تعهدات کشورهای عضو سازمان ملل در چهارچوب مقررات حقوق بشری با تصمیمات شورای امنیت در چهارچوب حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام کدامیک توسط کشورها مقدم‌تر است؟ آیا در صورت نقض قواعد حقوق بشر در قطعنامه‌های شورای امنیت، امکان عدم تبعیت از آنها وجود دارد؟

در پاسخ به سؤالات مطرح شده ابتدا این فرضیه‌ها مطرح می‌شوند که اولاً: به نظر می‌رسد موارد ممنوع شده آموزشی در این قطعنامه شامل نقض حق آموزش اتباع ایرانی می‌شود. در ثانی: با تلفیق مواد ۲۵ و ۱۰۳ منشور به این نتیجه می‌رسیم که تصمیمات شورای امنیت بر سایر تعهدات کشورها برتری دارد.

در این مقاله سعی شده است که برای یافتن پاسخ سؤالات فوق در قسمت اول به بررسی اجمالی ساختار و وظایف شورای امنیت و همچنین روند ارجاع پرونده

ایران به شورای امنیت، پرداخته شود. در قسمت دوم به حق آموزش و مفهوم آن در اسناد حقوق بشری توجه شده است و در ادامه به محتوای قطعنامه ۱۷۳۷ پرداخته شده و در انتها هم پیامدهای این قطعنامه از منظر منشور ملل متحد بررسی شده است.

ساختار، وظایف و اختیارات شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل متحد در کنار مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی، دیوان بین‌المللی دادگستری، شورای قیمومیت و دبیرخانه از ارکان اصلی سازمان ملل می‌باشد. برای شناخت شورای امنیت ابتدا ساختار و سپس وظایف آن را بررسی می‌کنیم.

الف: ساختار شورای امنیت: برخلاف مجمع عمومی که یک رکن فراگیر در سازمان ملل می‌باشد و همه کشورها در آن نماینده دارند، شورای امنیت دارای اعضای محدودی می‌باشد که شامل ۱۵ عضو می‌باشد که از این تعداد، پنج کشور به صورت دائمی عضو شورای امنیت می‌باشند که بر طبق ماده ۲۳ منشور ملل متحد کشورهای ایالات متحده آمریکا، فرانسه، انگلستان، اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری چین اعضای دائم شورای امنیت می‌باشند. مهم‌ترین دلایل عضویت آنها به عنوان عضو دائم شورای امنیت، پیروزی در جنگ جهانی دوم و دارا بودن تسلیحات اتمی است. در عین حال این را هم باید پذیرفت که حضور دائمی آنها در سازمان ملل متحد یکی از عوامل مؤثر تداوم حیات این سازمان می‌باشد (همان، ص ۳۵۵).

اعضای غیردائم شورای امنیت، که ابتدا در زمان تأسیس سازمان ملل شش دولت بودند و بعد از اصلاحیه ۱۹۶۳ به ۱۰ دولت افزایش یافتند، توسط مجمع عمومی به مدت دو سال انتخاب می‌شوند و انتخاب بلافاصله آنها نیز ممکن نمی‌باشد. مجمع عمومی در انتخاب اعضای غیردائم شورای امنیت به میزان مشارکت دولت‌ها در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و سایر اهداف سازمان و

همچنین توزیع منصفانه جغرافیایی توجه می‌کند.^۱

تصمیم‌گیری شورای امنیت در مورد مسائل مربوط به آیین کار مانند تشکیل جلسات، انتخاب رؤسای شورا و شرکت اعضای سازمان در شورا، با اکثریت عددی صورت می‌گیرد. بدین صورت که با رأی مثبت ۹ عضو از ۱۵ عضو شورا انجام می‌شود و در این موارد فرقی بین آرای اعضای دائم و غیردائم وجود ندارد. اما در سایر مسائل بجز مواردی که مربوط به آیین کار شورا می‌باشد و از اهمیت بیشتری نیز برخوردار می‌باشد، شورای امنیت با اکثریت کیفی تصمیم می‌گیرد بدین معنی که برای اتخاذ تصمیم نیاز به رأی مثبت ۹ عضو از ۱۵ عضو شورا می‌باشد به طوری که هیچ‌کدام از اعضای دائم رأی منفی نداده باشند. در صورت مخالفت یا رأی منفی یکی از اعضای جمله مواردی که شورای امنیت بدین روش تصمیم‌گیری می‌کند تصمیم‌گیری در مورد اقداماتی است که برطبق فصل هفتم منشور انجام می‌گیرد.

البته در مورد حق و تو باید خاطر نشان کرد که در زمان تأسیس سازمان ملل و در پایان کنفرانس سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۵، قدرت‌های بزرگ «در برابر انتقادهای وارده بر حق و تو از سوی کشورها، اعلام داشتند که اگر چنین حقی برای آنها به رسمیت شناخته نشود، موضوع تأسیس سازمان ملل به طور کلی منتفی خواهد شد. از این رو بود که سایر کشورها تسلیم نظر پنج قدرت شدند و حق و تو به وجود آمد، زیرا شناسایی چنین امتیازی برای قدرت‌های بزرگ بهتر از آن بود که سازمان ملل اساساً تشکیل نگردد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۶).

ب: وظایف و اختیارات شورای امنیت: وظیفه اصلی شورای امنیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد که در ماده ۲۴ منشور برعهده آن نهاده شده است. «علاوه بر

۱. توزیع جغرافیایی در مورد اعضای غیردائم شورای امنیت برطبق قطعنامه ۱۹۹۱ مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۶۳ به این صورت می‌باشد که پنج عضو از کشورهای آسیایی و آفریقایی، یک عضو از کشورهای اروپایی شرقی، دو عضو از کشورهای آمریکایی لاتین و دو عضو از کشورهای اروپایی غربی و سایر کشورها انتخاب می‌شوند.

وظیفه فوق شورای امنیت موظف است در چهارچوب اهداف و اصول سازمان فعالیت کند، به عبارت دیگر اقدامات و تصمیمات شورای امنیت باید مطابق با مندرجات منشور باشد و فعالیت خودسرانه‌ای انجام ندهد» (موسی‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶).

شورای امنیت در اجرای وظیفه اصلی خود به دو صورت ممکن است عمل کند اول براساس فصل ششم منشور (مواد ۳۸ تا ۳۳) به حل و فصل مسالمت‌آمیز و توصیه آن به طرفین اختلافی که ممکن است صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، می‌پردازد. تصمیمات شورا در این زمینه بیشتر جنبه توصیه‌ای دارند تا الزام‌آور، هرچند که برخی حقوقدانان معتقد اند که باید بین توصیه روش‌های مسالمت‌آمیز و انتخاب هر کدام از روش‌های مذکور تفاوت قائل شد، به نظر ایشان حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف در صورت توصیه شورا الزامی می‌باشد ولی انتخاب هر کدام از روش‌های مذکور اختیاری است (بیگ‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۶۸ و ۳۶۹).

دومین مورد اقداماتی است که شورای امنیت در راستای اجرای فصل هفتم منشور انجام می‌دهد که توسل به آن مهم‌ترین ابزار برای برقراری صلح و امنیت جهانی تلقی می‌شود. مبنای صلاحیتی فصل هفتم ماده ۳۹ منشور می‌باشد که براساس آن شورا باید ابتدا تهدید علیه صلح و نقض صلح و یا عمل تجاوزکارانه را احراز کند سپس براساس مقررات فصل هفتم ابتدا ماده ۴۱ منشور را اعمال کند که شامل اقدامات تنبیهی می‌باشد که متضمن توسل به زور نیست و در صورت عدم کفایت ماده ۴۱، شورا می‌تواند متوسل به اقدامات قهری ماده ۴۲ منشور شود که شامل بکارگرفتن نیروهای نظامی می‌شود.^۱

ج: طریقه ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت:

در بهمن ماه ۱۳۸۴ پس از بیانیه‌ای که از سوی وزرای امور خارجه سه کشور فرانسه، انگلستان و آلمان صادر شد مبنی بر لزوم درگیر شدن شورای امنیت در موضوع هسته‌ای ایران، متعاقب آن نشست اضطراری شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی

۱. قطعنامه ۱۷۳۷ که در سال ۲۰۰۶ علیه ایران صادر شد در اجرای ماده ۴۱ منشور بوده است.

اتمی برگزار گردید که حاصل آن تصویب قطعنامه‌ای مبنی بر ارسال پرونده ایران به شورای امنیت بود.

در ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت باید به نقش پررنگ‌تر عوامل سیاسی نسبت به دلایل حقوقی اشاره کرد چون‌که این موضوع بیشتر در صلاحیت خود آژانس بود که تا به اختلافات حقوقی با ایران رسیدگی کند و ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت صرفاً با احتمال تهدید علیه صلح، بدون بروز هیچ‌گونه مصداقی از این تهدید از سوی ایران، با قواعد حقوق بین‌الملل همخوانی ندارد. ابتدا سران کشورهای غربی از پایبند نبودن ایران به تعهداتش سخن می‌گفتند در صورتی که برطبق ماده ۱۲ اساسنامه آژانس، احراز پایبند نبودن یک کشور عضو برعهده بازرسان آژانس گذاشته شده و این درحالی است که تا آن زمان هیچ‌گونه تخلفی از سوی ایران در گزارشات بازرسان آژانس دیده نشده بود.

در این زمینه باید به مبنای صدور قطعنامه شورای حکام توجه کنیم که فرض مطلق نبودن حق توسعه هسته‌ای کشورهای عضو می‌باشد. این حق زمانی برای همه کشورها به رسمیت شناخته می‌شود که دیگر تعهدات کشورها را مخدوش نسازد حق مذکور در ماده چهار (ان - پی - تی)^۱ مورد شناسایی قرار گرفته است. در مورد ایران این نظر وجود داشت که با توجه به مشکوک بودن برنامه توسعه هسته‌ای ایران و احتمال وجود اهداف نظامی در آن، ایران باید غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند تا زمانی که ابهامات برطرف شود. ایران در رد ادعاهای مذکور از همکاری کامل خود با آژانس یاد کرد و همچنین از پایبند بودن به سایر تعهدات خود در این زمینه اشاره کرد. و برحق خود برای توسعه هسته‌ای در چهارچوب مقررات آژانس پافشاری کرد. از لحاظ علمی هم هیچ‌گونه ملازمه‌ای بین غنی‌سازی و تولید سلاح وجود ندارد همچنان که خیلی از کشورها از جمله آلمان و برزیل و هند هم در حال انجام آن می‌باشند و فعالیت آنها به معنای تلاش برای تولید سلاح هسته‌ای قلمداد نمی‌شود. در پایان باید

۱. ان پی تی مخفف نام انگلیسی Nuclear NON Proliferation treaty معاهده منع گسترش هسته‌ای ۱۹۶۸ می‌باشد

اذعان کرد که ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، باوجود روش‌های مسالمت‌آمیزی مثل مذاکره و میانجیگری و کمیسیون تحقیق، به معنای ضعف دیپلماسی جامعه بین‌المللی می‌باشد.

حق آموزش در اسناد حقوق بشری

درمیان موضوعاتی که از آغاز آفرینش انسان ذهن بشر را به خود معطوف داشته‌اند تعلیم و تربیت از جایگاه ممتازی برخوردار بوده است. و شاید بتوان گفت این مقوله بیش از هر مقوله دیگری مورد بحث و فحص قرار گرفته است. کانت فیلسوف بزرگ آلمانی که در شکل بخشیدن به تفکر معنوی دنیای غرب سهمی درخور داشته است، در رساله نسبتاً کوتاهی که درباب تعلیم و تربیت نوشت به درستی ادعا کرد که در بین ابداعات بشر دو مورد از همه مشکل‌ترند اول هنر مملکت‌داری و حکومت و دوم هنر تعلیم و تربیت و مردم هنوز در مورد معنای واقعی این دو اختلاف دارند. وی معتقد بود که تعلیم و تربیت است که آدمی را از اینکه تحت تأثیر کشش‌های حیوانی خویش از هدف غایتش که انسانیت است دور شود، باز می‌دارد و آدمی چیزی جز آنچه تربیت از او می‌سازد، نیست، ۱۴۲ سال پس از کانت و در هنگام تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر، نویسندگان اعلامیه، آموزش را به‌عنوان یکی از ۳۰ ماده‌ای که خواستار اجماع جهانی در مورد آنها بوده‌اند مورد توجه قرار دادند و اعلام نمودند که هدف آموزش، رشد شخصیت انسان و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین است (نجفی، ۱۳۹۰، ص ۳۰).

حق آموزش یکی از حقوق اساسی و غیرقابل انکار بشر است و به معنای اینست که هرکس فارغ از هرگونه تبعیضی حق دارد آموزش‌هایی را که برای رشد شخصیت فردی و جمعی وی لازم است را ببیند و همچنین حق آموزش شامل فراگیری معلومات از طریق آموزش و پرورش ابتدایی و عمومی و تخصصی علمی از طریق آموزش کاربردی نظیر آموزش فنی و حرفه‌ای می‌باشد.

حق آموزش به عنوان یک حق اساسی و مسلم انسان‌ها نه تنها از مهم‌ترین حقوقی پنداشته می‌شود که در اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های حقوق بشری به آن اشاره شده است، بلکه به عنوان یکی از حقوقی شناخته می‌شود که برخورداری از آن لازمه بهره‌مندی از سایر حقوق می‌باشد. زیرا اگر قائل به این باشیم که هدف از حقوق بشر، ایجاد شرایطی از زندگی است که به انسان اجازه دهد همه استعدادهای خود را بروز دهد و از آنها بهره گیرد، باید بسترهای رشد و شکوفایی این استعدادها را فراهم کنیم و این امر محقق نمی‌شود مگر با تعهد دولت‌ها به آموزش به‌ویژه آموزش حقوق بشر.

امروزه دولت‌ها، سازمان‌ها و علی‌الخصوص سازمان ملل متحد و ارگان‌های تخصصی آن و بیشتر حقوق‌دانان بین‌المللی بر این امر تأکید دارند که آموزش یکی از مهم‌ترین ابزار رسیدن به صلح جهانی است.

حق آموزش نه تنها در اسناد جهانی حقوق بشری، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۲۶) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی (ماده ۱۳) در نظر گرفته شده، بلکه در اسناد منطقه‌ای حقوق بشری مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و حمایت از آزادی‌های اساسی (ماده دوم پروتکل شماره یک) و همچنین کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (ماده ۲۶) و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (ماده ۱۷)، نیز به آن اشاره شده است.

در تمامی اسناد مذکور حق آموزش در ردیف حقوق و آزادی‌هایی است که ذیل عنوان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آورده شده است در واقع حق آموزش در تقسیم‌بندی حقوق بشر جزء حقوقی است که دولت‌ها تکلیف دارند به فراهم نمودن آن برای افراد جامعه، حقوق مذکور در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی که در سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی به تصویب رسید به صورت قواعد لازم‌الاجرای حقوق بشری مورد تأکید قرار گرفته‌اند. ذکر این نکته ضروری می‌باشد که «حقوق ذکر شده در این میثاق شامل موضوعاتی نظیر حق داشتن شرایط مساعد کار، حق برخورداری از تأمین اجتماعی، سلامتی، آموزش و پرورش، دستمزدهای عادلانه،

حداقل شرایط زندگی حتی بر خوداری از تعطیلات همراه با دستمزد می‌شود. پروفیسور ترابک به حقوق مذکور به‌عنوان حقوقی که به رسمیت شناخته می‌شوند، تا اینکه اعلام یا تضمین شوند، اشاره می‌کند و می‌گوید که این حقوق دربرگیرنده و مستلزم اصل تحقق مترقی می‌باشند که ظاهراً بدین معناست که آنها آرمان یا هدف می‌باشند.» (بی‌شستاک، ۱۳۸۱، ص ۱۲۳).

در پایان این قسمت باید به نخستین کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۶۸ اشاره کرد که در تهران برگزار گردید و در بند چهاردهم از اعلامیه مصوب کشورهای شرکت‌کننده از وجود بیش از هفتصد میلیون بیسواد در جهان به‌عنوان مانعی بزرگ در تحقق بخشیدن به اهداف منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر یاد شده است همچنین در اعلامیه وین در سال ۱۹۹۳ نیز کماکان بحران مذکور مورد توجه کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس وین بود و در نهایت منجر به تصویب اعلام دهه پایانی قرن بیستم از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ از سوی مجمع عمومی به‌عنوان دهه آموزش حقوق بشر گردید. همچنین در سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ به ترتیب کنفرانس‌هایی با‌عنوان آموزش برای همه در تایلند و سنگال برگزار شد.

محدودیت‌های آموزشی قطعنامه ۱۷۳۷

در قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت، تحریم‌ها و محدودیت‌های بیشماری در مورد انتقال فناوری‌های حساس و امور مالی و تحریم بانک‌های ایرانی و اشخاص درگیر در فعالیت‌های هسته‌ای ایران لحاظ شده است. اما آنچه مورد بحث این مقاله می‌باشد، بند ۱۷ این قطعنامه می‌باشد که مقرر می‌دارد «از تمامی دولت‌ها می‌خواهد تا هوشیاری به خرج دهند و از تدریس یا آموزش تخصصی اتباع ایرانی، در قلمروشان یا توسط اتباعشان، در مورد رشته‌هایی که به فعالیت‌های هسته‌ای حساس به اشاعه ایران و توسعه سیستم‌های پرتاب سلاح هسته‌ای کمک می‌کند جلوگیری به عمل بیاورند.» در مورد محدودیت‌های آموزشی مذکور ذکر چند نکته ضروری است: اولاً این

محدودیت‌ها شامل تمامی اتباع ایرانی می‌شود یعنی به صرف داشتن تابعیت ایرانی از آموزش در این موارد ممنوع خواهند بود.

ثانیاً: از عبارت «تدریس یا آموزش تخصصی اتباع ایرانی» این چنین به نظر می‌رسد که این محدودیت‌ها شامل تمامی آموزش‌های آکادمیک و انتقال علم چه به صورت تئوری و یا عملی را دربر می‌گیرد.

ثالثاً: از کشورها خواسته شده که «در قلمروشان یا توسط اتباعشان» از این آموزش‌ها جلوگیری بکنند که بدان معناست که همه افراد و نهادها و اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی شامل این ممنوعیت آموزشی به اتباع ایرانی می‌شوند. رابعاً گفته شده «در مورد رشته‌هایی که به فعالیت‌های هسته‌ای حساس به اشاعه ایران و توسعه سیستم‌های پرتاب سلاح هسته‌ای کمک می‌کند» باتوجه به این عبارت دامنه این محدودیت‌های آموزشی بسیار گسترده می‌باشد و در عمل ممکن است شامل بسیاری از رشته‌های علمی بشود و دولت‌های دیگر ممکن است فقط به صرف احتمال به‌کارگیری توانایی علمی یک شخص در فعالیت‌های هسته‌ای ایران، از پذیرش آن در رشته‌های دیگر هم جلوگیری کنند.

همچنین بند ۱۷ این قطعنامه از جمله بندهایی است که اجرای مؤثر آن از سوی کشورها مدنظر بوده چنانچه در بند ۱۹ از کشورها خواسته شده در مورد اجرای مؤثر آن به کمیته مقرر در بند ۱۸ گزارش بدهند.

باتوجه به موارد یادشده نباید تردید کرد که موارد ممنوع شده در بند ۱۷، شامل نقض حق آموزش اتباع ایرانی می‌شود زیرا این محدودیت‌ها شامل کلیه اتباع ایرانی می‌شود و بزرگ‌ترین ایراد وارده اینست که اگر هدف شورا جلوگیری از نظامی شدن برنامه هسته‌ای ایران بود باید در مورد اتباع ایرانی قائل به تفکیک می‌شد زیرا لزوماً هر ایرانی که داوطلب تحصیل در این رشته‌ها باشد، از طرف دولت ایران مأمور به تحصیل نشده است که شورای امنیت این حق تحصیل او را منع کند. از طرف دیگر صرف داشتن تابعیت یک کشور نمی‌تواند موجب نقض یک حق مسلم بشری شود. همچنین

به صرف احتمال به‌کارگیری دانش یک نفر در فعالیتهای هسته‌ای کشورش در آینده، نمی‌توان حق او را در زمان حال، به تحصیل در رشته‌ای خاص از او گرفت. البته شاید چنین استدلال شود که موارد ممنوع شده در این قطعنامه شامل حال رشته‌هایی خاص و تخصصی و ویژه می‌باشد و موجب نقض حق آموزش اتباع ایرانی نمی‌شود. ولی در پاسخ باید خاطر نشان کرد که حق آموزش که از حقوق مسلم و غیرقابل انکار بشری می‌باشد قابل تفکیک و محدودیت نمی‌باشد و شامل همه آموزش‌های عمومی و تخصصی می‌شود و در هیچ‌یک از اسناد حقوق بشری که حق آموزش در آنها ذکر شده است اجازه داده نشده است که قسمتی از حق آموزش اتباع یک کشور محدود شود. همچنین باتوجه به اینکه در بند ۱۷ از کشورها خواسته شده که از «پذیرش» اتباع ایرانی جلوگیری به عمل بیاورند، دولت‌ها نباید محدودیت‌های آموزشی این قطعنامه را تفسیر موسع بکنند و اتباع ایرانی در حال تحصیل در این رشته‌های عنوان شده را نیز شامل حال این قطعنامه بدانند و به حقوق مکتسبه آنان تعرض کنند.

پیامدهای قطعنامه ۱۷۳۷ در مورد محدودیت‌های آموزشی از نظر منشور ملل متحد

برای روشن شدن این مطلب که آیا دولت‌های عضو سازمان ملل به‌عنوان مخاطبین این قطعنامه، باید همه محدودیت‌های این قطعنامه را انجام بدهند یا خیر باید برخی از مواد منشور را مورد بررسی قرار دهیم. ابتدا تلفیقی از مواد ۲۵ و ۱۰۳ منشور ملل متحد^۱ را بررسی می‌کنیم که به دکتترین نامحدود بودن اختیارات شورای امنیت معروف است. در ابتدا شاید چنین تصور شود که چون این قطعنامه برطبق مقررات منشور صادر شده است و تصمیمات شورای امنیت برطبق تعهد دولت‌ها در ماده ۲۵ الزام‌آور

۱. ماده ۲۵ منشور «اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را برطبق این منشور قبول و اجرا نمایند». ماده ۱۰۳ منشور «در صورت تعارض بین تعهدات اعضا ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آنها برطبق هر موافقت‌نامه بین‌المللی دیگر تعهدات آنها به موجب منشور مقدم خواهد بود»

می‌باشند، پس دولت‌های عضو سازمان باید تمامی موارد تحریمی این قطعنامه از جمله محدودیت‌های آموزشی را نسبت به اتباع ایرانی لحاظ کنند، حتی اگر توافقی را برخلاف مقررات این قطعنامه قبلاً انجام داده باشند. به این دلیل که توافقات کشورها در مقابل تصمیمات شورای امنیت مؤثر نخواهد بود و این امر از ماده ۱۰۳ منشور برمی‌آید. اما در پاسخ به استدلال فوق باید اذعان داشت که منظور از ماده ۱۰۳ منشور برتری حقوق ملل متحد بر حقوق قراردادی است و به‌طور حتم قواعد عام‌الشمولی که مورد قبول همه جامعه بشری است و هیچ کشوری مجاز به تخلف از آن نیست را شامل نمی‌شود، مخصوصاً در مورد قواعد حقوق بشری از جمله حق آموزش، که هیچ‌گونه توافقی نمی‌تواند آنها را از بین ببرد یا نادیده بگیرد. اصولاً قواعد حقوق بشری در مرحله وجودی فراتر از رضایت و اراده دولت‌ها هستند و اراده دولت‌ها مبنی بر دادن اختیار تصمیم‌گیری در پاره‌ای از مسائل به شورای امنیت در قالب مقررات منشور ملل متحد، تأثیری در آنها نخواهد داشت. بنابراین به صرف رضایت دولت‌ها در مواد ۲۴ و ۲۵ و ۱۰۳ منشور، شورای امنیت این اجازه را ندارد که حقوق و آزادی‌های اساسی افراد را نادیده بگیرد و دولت‌ها هم ملزم به اجرای بدون قید و شرط آن نمی‌باشند.

همچنین در ماده ۲۴ منشور پس از آنکه مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی برعهده شورای امنیت نهاده شده است، شورای امنیت ملزم شده است که در اجرای وظایف خویش برطبق مقاصد و اصول سازمان ملل رفتار کند. خصوصاً عمل برطبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل به‌ویژه پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی انسان بدون قائل شدن تبعیض از هر حیث، باید سرلوحه اقدامات شورای امنیت باشد.

از طرف دیگر شورای امنیت در اعمال ماده ۴۱ منشور که قطعنامه ۱۷۳۷ هم از آن جمله می‌باشد، نباید کاملاً بدون قید و شرط تصور شود بلکه براساس برخی از قطعنامه‌های مجمع عمومی از جمله قطعنامه‌های ۲۱۳۱ (۱۹۶۵) و ۲۶۲۵ (۱۹۷۰)، شورای امنیت نباید اعمال این تحریم‌ها را با هدف فشار و سلطه بر کشورها انجام دهد.

و در کل شورای امنیت و سازمان ملل متحد از تابعان حقوق بین‌الملل می‌باشند و ملزم به پذیرفتن اصول و موازین حقوق بین‌الملل می‌باشند و همچنین «باتوجه به بند (۲) از ماده ۲۴ منشور که شورا را موظف نموده است طبق اهداف و اصول ملل متحد عمل نماید و نیز بند(۱) از ماده ۱ منشور که تحقق صلح و امنیت بین‌المللی را در پرتو اصول عدالت و حقوق بین‌المللی قابل حصول قلمداد نموده است، شورا موظف به اعمال حقوق بین‌الملل می‌باشد و بنابراین شورای امنیت باوجود سرشت سیاسی خود باید حقوق بین‌الملل را فراروی خود قرار دهد» (شایگان، ۱۳۸۰، ص ۲۸).

دست‌آورد

همان‌گونه که ملاحظه گردید شورای امنیت سازمان ملل متحد در راستای انجام مأموریت خطیر خود یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، و در اعمال ماده ۴۱ از فصل هفتم از منشور ملل متحد، مبادرت به صدور این قطعنامه ۱۷۳۷ علیه ایران کرده است. هرچند که رسیدگی به موضوع هسته‌ای ایران از لحاظ حقوقی و با در نظر گرفتن اساسنامه سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، در صلاحیت آژانس می‌باشد و ارجاع آن به شورای امنیت بیشتر از آنکه با دلایل حقوقی باشد به همراه اغراض سیاسی بوده است. صرف‌نظر از تمامی تحریم‌های این قطعنامه، در مورد بند ۱۷ آن و محدودیت‌های آموزشی مقرر شده در آن، و در بررسی این فرضیه که محدودیت‌های مقرر شده شامل نقض حق آموزش اتباع ایرانی می‌شود، باید اذعان داشت باتوجه به تمامی مقررات حقوق بشری که در همه آنها حق آموزش به‌عنوان یکی از حقوق اساسی افراد قلمداد شده است، فرضیه مورد نظر به درستی بیان شده است. زیرا اولاً باقبول اینکه همه افراد ایرانی متقاضی تحصیل در موارد ممنوعه از سوی دولت ایران برای تحصیل فرستاده نشده‌اند و درثانی: لزوماً همه افراد ایرانی که این رشته‌های ممنوعه را فرامی‌گیرند به فعالیت‌های هسته‌ای ایران کمک نخواهند کرد و ثالثاً باتوجه به غیرحصری بودن و عدم تعیین رشته‌های مدنظر از سوی شورای امنیت و تنها ذکر این نکته که رشته‌هایی که

ممکن است به فعالیت‌های هسته‌ای ایران کمک کنند، در عمل ممکن است که شامل موارد تحریمی علمی زیادی علیه اتباع ایرانی بشود.^۱

و دلایل بیشمار دیگر از جمله اینکه محدود کردن قسمتی از حق آموزش اتباع یک کشور شامل نقض حق آموزش می‌شود، به این نتیجه می‌رسیم که این محدودیت‌ها نقض صریح حق آموزش اتباع ایرانی می‌شود.

در مورد این فرضیه که از جمع مواد ۲۵ و ۱۰۳ منشور چنین به نظر می‌رسد که تصمیمات شورای امنیت که قطعنامه ۱۷۳۷ هم از آن جمله می‌باشد، در هر حال لازم‌الاجرا می‌باشند و بر سایر تعهدات دولت‌ها ارجحیت دارند، نیز باید اذعان کرد که با وجود تصور مذکور که در ابتدا از مواد ۲۴ و ۲۵ و ۴۱ و ۱۰۳ منشور پذیرفته می‌شود، منتها باید در نظر داشت که شورای امنیت نیز دارای محدودیت‌هایی می‌باشد که از جمله مهم‌ترین آن همان ماده ۲۵ منشور می‌باشد که باتوجه به آن، تصمیمات شورا زمانی لازم‌الاجرا خواهد بود که با مقررات و اصول و اهداف منشور مطابق باشد و همچنین بند (۱) ماده ۱ منشور که تحقق صلح و امنیت بین‌المللی را در پرتو اصول عدالت و حقوق بین‌الملل قابل حصول قلمداد نموده است. بنابراین در مورد این فرضیه باید خاطرنشان کرد که این فرضیه لااقل در مواردی که شورای امنیت از اصول و اهداف منشور عدول کرده باشد مثل همین موارد تحریم‌های آموزشی علیه اتباع ایران، قابل استناد نیست. و در این مورد دولت‌ها تکلیفی بر اعمال تحریم‌ها نداشته باشند. همان‌طور که در سال ۲۰۰۸ بعد از تحریم‌های مؤسسات آموزشی کشور هلند علیه دانشجویان ایرانی، این امر با اعتراض شدید دانشجویان و اساتید هلندی مواجه شد و سرانجام آن تحریم‌ها برداشته شد. هرچند که به نظر می‌رسد قدرت واقعی اعضای دائم شورای امنیت و تأثیرات آنها در عرصه جامعه بین‌المللی، در عمل بیشتر و قدرتمندتر از مقررات منشور می‌باشد.

۱. نظیر آنچه دانشگاه‌های هلند در سال ۲۰۰۶ علیه دانشجویان ایرانی لحاظ کردند و موارد بیشمار دیگر از جمله عدم صدور ویزای شرکت‌کنندگان ایرانی در المپیاد جهانی کامپیوتر در قاهره و تحریم‌های دانشمندان ایرانی از سوی کشور فرانسه در سال ۲۰۰۸.

در پایان این پیشنهاد اساسی طرح می‌شود که با وجود ضعف در منشور سازمان ملل و نبود نهادی ناظر بر فعالیت‌های شورای امنیت و ضرورت اصلاح منشور بعد از گذشت بیش از ۶۰ سال از عمر آن، تشکیل یک نهاد حقوق بشری (نهاد ناظر و کنترل‌کننده برتری مقررات منشور در اجرا و یا تصویب مقررات ریزتر) در چهارچوب منشور ملل متحد برای تضمین رعایت مقررات حقوق بشری در تصمیمات شورای امنیت مورد انتظار است. ❖

منابع:

کتاب

- امیرارجمند، اردشیر، ۱۳۸۶، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، کرسی حقوق بشر صلح دموکراسی یونسکو، با همکاری سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- احمدی، کوروش، ۱۳۸۶، شورای امنیت و مسئله تجدید ساختار آن، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- بلدسور، رابرت، ۱۳۷۵، فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه بهمن آقایی، تهران: گنج دانش.
- بیگزاده، ابراهیم، ۱۳۸۹، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران: انتشارات مجد.
- دولت‌شاه، حجت، ۱۳۸۴، منشور ملل متحد، تهران: مجموعه قوانین مجد.
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی، ۱۳۸۰، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران: نشر قاموس.
- شایگان، فریده، ۱۳۸۰، شورای امنیت سازمان ملل متحد و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۵، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش، چاپ بیست و سوم.
- موسی‌زاده، رضا، ۱۳۸۶، سازمان‌های بین‌المللی، تهران: نشر میزان.

مقالات

- جروم، بی‌شستاک، ۱۳۸۱، نظریه حقوق بشر، ترجمه جواد کارگزاری، مجله حقوق دادگستری، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۸۱.
- نجفی، محمدعلی، ۱۳۸۲، آموزش برای همه، نشریه سیاست‌نامه شرق، شماره ۳۰.
- نیاورانی، صابر، ۱۳۸۹، آموزش حقوق بشر از منظر بین‌المللی حقوق بشر، ماهنامه علوم انسانی مهرنامه، شماره ۷، آذر ۱۳۸۹.

پایان نامه

بررسی نقش شورای امنیت در رابطه با حقوق بشر، سپیده حسینی تهرانی، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، دانشگاه آزاد چالوس.

Education right in Security Council Resolution 1737 against Iran